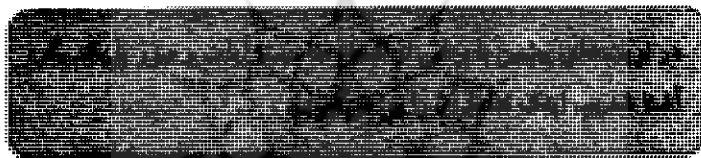


چهره پیوسته قرآن

قسمت سوم

سید محمد علی ایازی



● مناسبت مضمون سوره با سوره قبلی

گفتیم که یکی از مناسبات، پیوند یکایک سوره‌ها به ترتیب با هم، و مناسبت مضمون هر سوره‌ای با سوره قبلی است. این بحث با بحث قبلی گاه اشتباه شده و هر دو را یک جا بحث کرده‌اند؛ در صورتی که مدعا و موارد آن حقیقتاً فرق دارد. سیوطی در تناسق الدرر این پیوستگی را معمولاً در ذیل هر سوره می‌آورد، و با مناسبت آغاز سوره با پایان سوره قبلی تفاوت می‌گذارد. دیگران نیز به نمونه‌هایی از مناسبت‌ها در برخی سوره‌ها اشاره کرده‌اند. ادعایی که در باره این مناسبت گفته شده چنین است:

«سوره‌های قرآن همچون حلقه‌های گردبندی است که با بند و بستی به یکدیگر متصل شده‌اند، تماماً در یک نظام مرتبط و منسجم حول محور توحید با یکدیگر پیوند

خورده‌اند، به طوری که با جا به جا کردن فرضی آنها این هماهنگی به هم می‌خورد. به عبارت دیگر قرآن از ۱۱۴ موضوع و مقاله به نام سوره تشکیل شده که هر کدام در عین استقلال، مانند فصول مختلف یکی کتاب به ترتیب خاصی به دنبال یکدیگر قرار گرفته‌اند. اعتقاد به چنین نظمی کمک شایانی به فهمیدن منظورهای سوره در ارتباط با سوره‌های قبل و بعد آن می‌نماید.»^(۱)

سیوطی در اثبات این پیوستگی به دو دلیل اشاره می‌کند و می‌گوید:

اولاً: سوره فاتحه در حکم فهرست مطالب تمام قرآن کریم است و نوعی بראعت استهلال برای سوره‌های قرآن است، زیرا می‌بینیم تمام مباحثی که در کل قرآن مطرح شده در این سوره آمده است، پس باید در تمام سوره‌های دیگر این

پیوند وجود داشته باشد.

ثانیاً: بیهقی روایتی را در باب شُعَبِ ایمان از حسن بصری نقل می‌کند که گفته است: خداوند تمام علوم پیشینیان را در قرآن نهاده و تمام علوم قرآن در سوره‌های کوچک (مفصل) و تمام مطالب سوره‌های مفصل (با فاصله بسیار) را در فاتحه قرار داده است... این کلام بیانگر آن است که میان تمام سوره‌ها از نظر مضمون نوعی ربط و انسجام است، و هر کدام به ترتیب موضوعات، مضمون سوره حمد را دنبال می‌کند.^(۲)

در این باره مثال‌های بسیاری زده شده که به یکی از موارد آن که وحدت و انسجام و پیوستگی مضمون سوره فتح و حجرات باشد، اشاره می‌کنیم:

«سوره فتح در سال هفتم و سوره حجرات در سال هشتم هجری نازل شده‌اند، و از نظر مسائلی که جامعه اسلامی با آن مواجه بوده مشترکند. شاید مهم‌ترین وجه اشتراک هر دو سوره انتقاداتی باشد که به اعراب بادیه نشین تازه مسلمان که جذب جامعه اسلامی شده بودند، متوجه است. بسیاری از آنها هنوز رسوبات دوران جاهلیت و زندگی خشک در صحرا همراه با غارت‌گری و فردگرایی را از خود دور نکرده بودند و خداوند در این دو سوره به این مسائل می‌پردازد و تذکراتی را در این موارد می‌دهد.»

«در سوره فتح، آیات ۱۱ الی ۱۶ (۲۰٪ سوره) متوجه گروهی از آنهاست که از شرکت در جنگ به بهانه گرفتاری‌های خانه و زندگی امتناع می‌کردند... و در سوره حجرات پس از آنکه پنج بار با عبارت: یا ایها الذین آمنوا مؤمنان را مخاطب قرار داده، ده دستور مهم اخلاقی در چگونگی رفتار با رهبری، رفتار با دشمن بیگانه و دوست، رفتار و اخلاقیات در روابط اجتماعی را به آنها آموزش می‌دهد... به این ترتیب وجه مشترک و محور مورد قبول هر دو سوره، یعنی انتقادات درون گروهی را، به جناح خاصی از مسلمانان متوجه کرده است.»^(۳)

● مناسبت شروع با ختم قرآن

منظور از این پیوستگی، ربط میان سوره حمد و سوره قل اعدو

بسررب الناس است. این مناسبت گرچه در راستای اثبات پیوستگی تمام قرآن قابل طرح است، اما از آنجا که بسیاری از قرآن پژوهان قائل به علم مناسبات، به این نوع اشاره کرده‌اند، مورد بحث ویژه قرار می‌گیرد. البته پیش از این در باره سوره حمد و ربط آن به قرآن سخن گفتیم و اشاره کردیم که این سوره را در حقیقت مقدمه پیام‌های قرآن دانسته‌اند و گفته‌اند سر فصل تمام مطالب قرآن در این سوره نهفته است، اما در اینجا منظور پیوستگی میان آغاز و انجام قرآن است، که گفته‌اند میان هر دو سوره حمد و الناس به ربوبیت و مالکیت الهی تأکید شده است، زیرا در حمد آمده: الحمد لله رب العالمین... مالک یوم الدین، در سوره الناس هم آمده اعدو برب الناس، ملک الناس، که آنجا ربوبیت جهانیان و مالکیت روز جزاست و در اینجا پناه بردن به پروردگار مردم و مالک مردم است. به این ترتیب ابتدا و انتهای قرآن از یک حقیقت که همان توحید است، سخن می‌گوید.^(۴)

اما مرحوم استاد محمدتقی شریعتی در تفسیر نوین از منظر دیگری به مسأله ختم قرآن نگرسته و مناسبت پایان و ختم قرآن را به گونه‌ای دیگر تفسیر کرده است. نامبرده که سخت معتقد به علم مناسبت و پیوستگی در کل سوره‌های قرآن است و به مناسبت تفسیر هر سوره‌ای از جزء سی‌ام، تناسبی را نقل کرده است، در باره پیوستگی سوره الناس با ختم قرآن می‌نویسد:

«راجع به تناسب این سوره‌های آخر، ضمن تفسیر بعضی از آنها، مکرر گفت و گو کردیم و در اینجا در خصوص موقعیت این سوره نیز توجه می‌دهیم که بر حسب ترتیب نزول نه اولین و نه آخرین سوره است، اما در ترتیب کنونی قرآن آخرین سوره می‌باشد، ولی تعلیم کتاب آسمانی از این سوره آغاز می‌شود... هیچ سوره‌ای در قرآن به لحاظ معنا و صورت، خصوصیت و صلاحیت این سوره را ندارد که آموختن و قرائت قرآن از آن شروع و به آن ختم گردد... ولی بطوری که در تفسیر سوره توحید گفتیم، کیفیت و خصوصیت سوره‌های قصار چنان است که آنها را بهتر می‌توان حفظ کرد و به خاطر سپرد و در موقع لزوم الفاظ آنها

هم سویی وجود دارد. همان طوری که برخی از کتاب‌ها از چندین جلد و هر جلد از چندین فصل تشکیل شده‌اند، سوره‌های قرآن خود دارای تقسیم بندی و فصول است که هر کدام به مجموعه‌هایی بخش بخش می‌شوند.

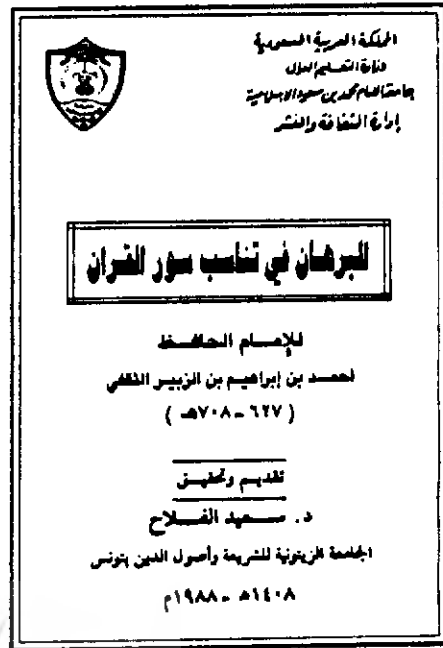
در باره این پیوستگی دو نوع تقسیم بندی انجام گرفته است: یکی، تقسیم بندی‌ای که بر اساس ظاهر کلمات و خصوصیات محتوایی تبدیل به مجموعه‌های مستقل در قرآن شده، و میان این مجموعه، نوعی اتصال و پیوند محتوایی برقرار شده است.

دوم تقسیم بندی بر اساس حدیثی از پیامبر است که قرآن را چهار قسمت کرده‌اند.

در باره تقسیم اول یکی از معتقدان به پیوستگی قرآن می‌نویسد: «سوره‌های قرآن را می‌توان فصول این کتاب و مجموع چند سوره مجاور را جلد جداگانه‌ای از کتاب تلقی کرد. برخی از این مجموعه‌ها به راهنمایی حروف مقطعه قابل تشخیص‌اند. مثل هفت سوره‌ای که با حروف مقطعه حم افتتاح شده‌اند (مؤمن، فصلت، شوری، دخان، جاثیه و احقاف) یا شش سوره‌ای که دارای حروف مقطعه ال هستند (یونس، هود، یوسف، رعد، ابراهیم و حجر). همین طور سوره‌های با حروف مقطعه طس و الم و...»

«برخی دیگر از طریق روابط متقابل و روشنی که با یکدیگر دارند، می‌توان شناخت. مثل سوره‌های بقره و آل عمران که هر دو دارای حروف مقطعه الم بوده، اولی اشاره به تاریخ بنی اسرائیل در دوره حضرت موسی (ع) (یهودیان) دارد، و دومی مسیحیت را از آل عمران که ریشه اصلی این قوم بودند معرفی می‌نماید. هم چنین سوره‌های مکملی همچون جمعه و منافقین (که در رکعات نماز جمعه خوانده می‌شوند)... فیل و قریش (تاریخ قریش در مکه) ناس و معوذتین که پیوند محدودی را حداقل میان دو سوره نشان می‌دهند.»

«سیاق عمومی سوره‌ها نیز می‌تواند رهگشایی برای این امر باشد، از جمله سه سوره ۴۷ تا ۴۹ (سوره محمد (صلی الله علیه وآله)، فتح، حجرات) که از نظر مضمون و محتوا بسیار به یکدیگر شبیه بوده، سیاق واحدی را تعقیب می‌نماید و



را به سهولت بر زبان و معانی‌شان را به آسانی به ذهن آورد، اما به لحاظ صورت، الفاظ آن روان و آیتش کوتاه و برای کودکان مناسب است که زیباشان در تلفظ کلمات ضعیف و نفسهایشان کوتاه می‌باشد و به خصوص حرف سین که در این سوره تکرار و آیات با آن ختم می‌شود، هم تلفظش بر زبان‌شان روان و شیرین، و هم آهنگ و آوازش به گوش‌شان خوشایند و مطلوب است. پس خداوند مهربان که جمع و ترتیب قرآن را خود به عهده گرفته کتاب کریمش را به این سوره پایان داده و به این وسیله به مسلمین فهمانده است که بعد از آموختن همه دانستنی‌های دین باید خود را از شر شیطان در پناه پروردگار قرار دهند و توفیق عمل از او بخواهند.»^(۵)

● پیوستگی میان مجموعه‌ای از سوره‌های قرآن

منظور از این بحث در انواع علم مناسبات، قائل شدن به نوعی تقسیم میان سوره‌های قرآن است، به این معنا که نه تنها میان سوره‌های مجاور و یا کل قرآن نوعی پیوند موضوعی است، بلکه میان سوره‌های نزدیک به هم نوعی هماهنگی و

مخاطب اصلی همه آنها شخص رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) می باشد.^(۶)

به این ترتیب، یکی از انواع پیوستگی تقسیم سوره‌ها در مجموعه‌های خاص، روش اجتهادی و توجه به ظاهر و محتوا برای تشخیص مناسبت مجموعه‌ای از سوره‌هاست.

اما در برابر روش اجتهادی برای تعیین مجموعه‌هایی از سوره‌ها و به دست دادن نوعی پیوستگی، برخی از روش‌مآثور استفاده کرده، و گفته‌اند: طبق حدیثی که از پیامبر نقل شده و قرآن بر چهار مجموعه تقسیم گردیده است، می‌توان میان هر یک از این چهار دسته، نوعی پیوستگی برقرار کرد.

این حدیث از احادیث مشترکی است که شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند و طرق مختلفی دارد. در شیعه، کلینی از علی بن ابراهیم نقل می‌کند و در اهل سنت، از احمد حنبل نقل شده است:

«قال رسول الله: أعطيت السور الطوال مكان التوراة، وأعطيت المثين مكان الإنجيل، وأعطيت المثاني مكان الزبور، وفُضِّلْتُ بالمفصل ثمان و ستون سورة و هو مهيمن على سائر الكتب...»^(۷) به من هفت سوره طولانی به جای تورات، و سوره‌های صد آیه‌ای به جای انجیل، و سوره‌های دوگانه (کمتر از صد آیه) به جای زبور، و سوره‌های کوتاه و پی‌درپی به جای دیگر کتاب‌های انبیا عطا شده است.^(۸) گفته‌اند چون پیامبر نوعی تقسیم در میان سوره‌های قرآن به وجود آورده است؛ پس نوعی پیوستگی و مناسبت میان هر کدام از این دسته‌ها می‌باشد و نظم خاصی بر چهار مجموعه حاکم است.

تا آنجا که راقم سطور مطلع است بحث مناسبات در این نوع را تا دوران اخیر کسی نگفته است و طراح این تئوری سعید حویّ یکی از نویسندگان پرکار عرب و معاصر و از اعضای اخوان المسلمین است که در تفسیر الاسامی فی التفسیر در مقدمه بسیار مفصل خود آن را بیان کرده و فواید این تقسیم‌بندی و دلایل پیوستگی آنها را برشمرده است و در تفسیر خود تلاش نموده این تقسیم‌بندی را رعایت و بر

همین روال مناسبت‌هایی را در هر مجموعه بیان کند. از آنجا که این طرح تازگی دارد، مقدمه سعید حویّ در باره انگیزه او در ارائه چنین روشی اشاره می‌شود، وی می‌نویسد: «خدا از کودکی بر من منت نهاد که همیشه در باره اسرار پیوستگی بین آیه‌ها و سوره‌ها بیندیشم، و در قلبم از کوچکی فتح بابی شده بود تا ربط میان سوره بقره با دیگر سوره‌های طولانی (طوال) را بیابم، و چنین بدانم که این هفت سوره یک مجموعه منظم و پیوسته از تقسیم بندی‌های قرآن هستند، مثلاً نگاه می‌کردم می‌دیدم آیات نخستین سوره بقره با الم شروع می‌شود و با لعلمک تغلحون پایان می‌گیرد، با خود می‌گفتم آیا سوره آل عمران تفصیل آیات نخستین سوره بقره نیست؟»

«همین طور می‌دیدم که پس از ذکر مقدمه در سوره بقره این آیه آمده است: يا ايها الناس اعبدوا ربكم الذي خلقكم والذين من قبلكم لعلكم تتقون، در سوره نساء پس از آل عمران هم باز همین مضمون آمده است: يا ايها الناس اتقوا ربكم... از خود می‌پرسیدم آیا سوره نساء، تفصیل قطعه دوم سوره بقره نیست؟»

باز از خود سؤال می‌کردم اگر سوره نساء تفصیل آیات پس از مقدمه سوره بقره است، آیات بعدی سوره بقره چگونه است، چون در قسمت بعدی سوره بقره آمده است: وما يضل به الا الفاسقين الذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه، اتفاقاً می‌دیدم که سوره مائده که پس از سوره نساء است، با این جمله شروع شده: يا ايها الذين آمنوا اوفوا بالعقود، که در باره وفای به عهد و ترک نقض عهد است، پس معلوم می‌شود که اگر در سوره بقره بحث از نقض عهد است، در سوره مائده هم در باره وفای به عهد است. همین طور این ارتباط را در قسمت‌های بعدی سوره بقره می‌یابیم.^(۹)

می‌بینیم که سعید حویّ به دنبال اثبات پیوستگی میان مجموعه آیات هر یک از چهار دسته قرآن است. او چنین طرحی در سه دسته دیگر دارد و به دنبال اثبات پیوستگی میان هر گروه و مجموع سوره‌ها و در نهایت ارتباط میان مجموعه قرآن است.

در برنامه سیستم مورد ادعا در یکی از روش های پیشنهادی، آیات از آخر آنها، حرف به حرف به طرف اول آیه تنظیم می شود، در این صورت حروف مشترک پایانی هر آیه مبنای بحث و بررسی و شناخت قرار می گیرد. مؤلف و پردازنده این طرح در دفاع از این سیستم آیات الهی چنین می نویسد:

● پیوستگی های نظامدار میان کلمات قرآن

یکی از انواع پیوستگی ها در پژوهش های جدید قرآنی، اثبات پیوستگی نظامدار و ارگانیک در میان کلمات قرآنی است. هدف از این پیوستگی ها در نظر قائلان آن افزون بر روشن ساختن جایگاه واژه در فرهنگ قرآنی، ارائه موضوع منسجم و سیستمی در کنار دیگر موضوعات و مفاهیم است، به گونه ای که با این روش می توان میدان هایی از مفاهیم را نشان داد که ارتباط هر یک نسبت به موضوعات دیگر مشخص است. گاه از این پیوستگی های نظامدار تعبیر به ساختار درختی نیز شده است. ساختار درختی در واقع نوعی تشبیه برای نشان دادن درجه اهمیت کلمات و نوع ارتباط آنها با یکدیگر است، آن چنان که ریشه و تنه و ساقه و شاخه و برگ هر کدام درجه اهمیت و پیوستگی خود را با سایر مفاهیم مشخص می سازد.

در بررسی پیوستگی نظامدار مجموعه قرآنی، نه سخن از سوره است و نه سخن از آیه - گرچه بی نظر هم نیست - بلکه سخن از مفاهیم و کلمات و تعیین جایگاه آنها در کنار استعمال کلمات دیگر قرآنی است. البته این نوع از پیوستگی به دو شکل متفاوت انجام گرفته و خالی از ابهام و تأمل نیست، اما از آنجا که طرح هر کدام می تواند زمینه تصحیح و تکامل موضوع را فراهم سازد، جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد:

۱ - یکی از تلاش ها در علم مناسبات، سیستمی نشان دادن آیات الهی است. در این کنکاش که به قرآن به طور نظامواره نگاه می شود، تمام عناصر و موضوعات معارف قرآنی با پیوند با یکدیگر مورد بررسی قرار می گیرد و حتی تقدم و تأخر به کارگیری هر یک از واژه ها از چشم نمی افتد و مدلی از موضوعات ارائه می گردد.

«موضوعات قرآن مجید گرچه پراکنده هستند و از سیستمی نامتمرکز پیروی می کنند، ولی همین سیستم اگر در شکل موضوعی و با نظم پایان آیات ترتیب یابد به ما نگرش مجموعه ای و نظام دار می دهند، مثلاً با تحقیقاتی که از پایان آیات انجام گرفت، نشان داد که کلیه آیاتی که در آن قرآن مجید به آیه: **وَاللّٰهُ يَحِبُّ الْمُتَّقِينَ** ختم شده اند، در مورد وفای به عهد است. پس می توان گفت میان وفای به عهد و تقوا رابطه ای مستمر و متمایز از دیگر موضوعات است.»

«هم چنین کلیه آیاتی که در قرآن مجید در مورد جنگ برای رفع تجاوز آمده با **وَاعْلَمُوا أَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ** به کار رفته است که می خواهد عمل جنگ جویان را با رعایت تقوا قرین سازد و از آنها بخواهد که جنگ شما مورد تأیید است به شرط آنکه رعایت تقوا را کرده باشید. و نیز کلیه آیاتی که در باره حرمت مینه و خون و گوشت خوک نازل شده و استفاده در حالت اضطرار را تجویز کرده با ذیل: **إِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ** آمده است، که نشان می دهد که اگر کسی در تمام این محرمات اضطرار داشت، غفران و رحمت الهی شامل او می شود.»^(۱۰)

همان طور که در آغاز این مناسبت گفتیم، تا تکمیل شدن این طرح راه بسیار درازی در پیش است، خصوصاً در آنجا که بتواند از نظم منطقی و انسجام کامل در طرح برخوردار شود و ابعاد و نتایج کامل بهره گیری از این روش را روشن سازد و تفاوت این کار را با پژوهش های تفسیر موضوعی که به همین روش استاد می کند، بیان نماید. البته اگر چنین عملی انجام گیرد، بدون شک از بسیاری از مناسبت های ذوقی در انواع مناسبات آیه ای و سوره ای به واقع نزدیک تر است، و آسیب پذیری آن در برابر نقض ها کمتر خواهد بود.

۲ - تلاش برای برقراری ارتباط میان معانی و پیام های

قرآن و اثبات پیوستگی میان آنهاست. این روش نیز همواره معطوف به ساختار کلمات در ارتباط با دیگر واژه‌های قرآنی است. بدین جهت تحقیقات گسترده در باره کلمات کلیدی قرآن انجام می‌گیرد تا جهان‌بینی قرآن نسبت به مفاهیم اصلی و مورد کاربرد قرآن شناخته شود. این مطالعه بر این اصل استوار است که مفاهیم به کار رفته در قرآن نوعی پیوند جهان‌بینی دارد و از پشتوانه‌ای عقیدتی و فرهنگی برخوردار است و بدون یک تحقیق گسترده و معنی‌شناسانه در کل قرآن چنین درکی حاصل نمی‌گردد.

ایزوتسو (م ۱۳۷۲ ش) محقق و اسلام‌شناس ژاپنی که تألیفات بسیاری در زمینه‌های مختلف مسائل اسلامی و از آن جمله فلسفه و عرفان و قرآن دارد، و دو کتاب او در میان قرآن‌پژوهان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، یکی خدا و انسان در قرآن، و دیگری مفاهیم اخلاقی در قرآن، در کتاب نخست به دنبال اصل پیوستگی میان مفاهیم کلیدی و پیدا کردن میدان‌های معنی‌شناختی از واژه‌های اصلی قرآن است. بدین جهت نگرشی جامع و سازواره از کل مفاهیم قرآن را در این روش ادعا می‌کند.

هدف ایزوتسو از طرح یک حرکت معنی‌شناختی سیستماتیک است. زیرا او تصریح می‌کند که عمل او در واژگان، حاصل تلاشی است از شبکه‌ای پیچیده و وسیع از ارتباطات چند جانبه میان کلمات.^(۱۱)

وی معتقد است در دانش معنی‌شناختی در جست‌وجوی درک مفاهیم و کلمات کلیدی است که آن زبان نه تنها همچون وسیله سخن گفتن و اندیشیدن، بلکه مهمتر از آن همچون وسیله‌ای برای تصور کردن و تفسیر کردن جهانی که آن قوم را احاطه کرده است به کار می‌برد.^(۱۲) به عنوان مثال به کلمه کفر، شکر، کتاب، یوم اشاره می‌کند که چگونه هر کدام از این کلمات در دستگاهی منفرد و منعزل، معانی ویژه خود را دارند که اگر آن کلمه را از قرآن بیرون بیاوریم همان معنا را برای خود حفظ می‌کند، اما به محض آنکه وارد دستگاه تصویری قرآن شد ارتباط خاصی با بعضی کلمات مهم قرآنی پیدا می‌کند. مثلاً همین کلمه کتاب، خواه در قرآن باشد یا در خارج آن

معنای واحدی دارد. این کلمه تا زمانی که عملاً توسط قرآن استعمال می‌شود، هم چون نشانه‌ای از یک مفهوم و تصور دینی خاص با هاله‌ای از قداست احاطه می‌گردد، و اهمیت خاص پیدا می‌کند. و این کیفیت نتیجه‌ای از این واقعیت است که در زمینه قرآنی کلمه کتاب ارتباطی نزدیک با تصور وحی الهی و با تصوره‌های گوناگونی دارد که دارای ارتباطی مستقیم با وحی هستند، و این بدان معناست که کلمه ساده کتاب که به سادگی به معنی نوشته و نامه است، پس از آنکه وارد نظام خاصی شد، و وضع ویژه‌ای در آن نظام پیدا کرد، دسته‌ای از عناصر تازه معنی‌شناختی پیدا می‌کند که همه برخاسته از این وضع خاص و جدید کلمه و نیز از روابط و نسبت‌ها و پیوستگی‌های آن با دیگر تصورها و مفاهیم این نظام است... بدین ترتیب در مورد کلمه کتاب به محض آنکه وارد نظام و دستگاه تصویری اسلامی شد، ارتباط خاصی با بعضی کلمات مهم قرآنی همچون الله (کتاب الله) و وحی و تنزیل و نبی و اهل به معنای مردم در ترکیب حاصل اهل کتاب پیدا کرد. از آن پس این کلمه در زمینه قرآنی باید در رابطه و نسبت با این اصطلاحات در نظر گرفته شود، و همین ارتباط و اشتراک به کلمه کتاب رنگ معنی‌شناختی خاص بخشیده است که بسیار پیچیده است...»^(۱۳)

ایزوتسو و افرادی همانند وی به دنبال ارائه یک تفسیری سازمان‌دار و به تعبیر خود یک شبکه بسیار پیچیده و درهم پیوسته واژگانی از کل قرآن است، که مفاهیم را در دستگاه تصویری خود منفرد و جدا از یکدیگر مورد بررسی قرار نمی‌دهد و معتقد است میان مجموعه این واژه‌ها ارتباط برقرار است و در سایه کل نگاری و نگرش جامع به مفاهیم و توجه به فرهنگ و فضای فکری حاکم بر واژگان، تفسیر از

ولی به هیچ وجه تأثیری در باره مشخص کردن ماهیت بینش قرآنی نسبت به جهان ندارد، اما کلماتی در قرآن به کار رفته‌اند، که نقشی قطعی در ساختن جهان‌بینی تصویری قرآن دارند، مانند: الله، اسلام، ایمان، کافر...

۳- این علم جنبه معنی‌شناختی پیدا کرده و در واقع نوعی کوشش برای دستیابی و شناخت فرهنگ زبانی قرآن در واژه‌های کلیدی است.

۴- ویژگی این پژوهش جنبه تحلیل و توصیف از میان گزاره‌ها دارد، و لذا نه استناد است و نه تخمین و از اطمینان بیشتری برخوردار است، زیرا با جستجو کردن موارد استعمال و نگرش به فضای فرهنگی الفاظ بکار برده شده در پی شناخت آن معانی با توجه به واژه‌های دیگر است.

از سوی دیگر کار معنی‌شناختی در یک دستگاه نظام‌دار و پیوسته همچون یک علم فرهنگی نظاره می‌شود، نه امری ذوقی و برداشتی غیر مستند است که با تغییرات دیگر باز نوعی برداشتی متفاوت پیدا کند و نوعی پیوستگی را نشان دهد.

۵- به دنبال اعجاز قرآن و چیزی از این قبیل نیست، بلکه به دنبال شناخت اهداف و پیام‌های قرآن است.

۶- این نظریه مبتنی بر توقیفیت ترتیب سوره‌ها و حتی آیه‌ها نیست و چیزی به آن نه می‌افزاید و نه می‌کاهد.

۷- انتقادات کلی و موردی که بر علم مناسبات گرفته شده شامل این نوع پیوستگی واژگانی نمی‌شود، زیرا مستند به تحلیل و شناخت معنی‌شناختی است و به دنبال استظهار از کلمات بر حسب قواعد دلالات است. گرچه می‌تواند نوعی انتقادات در مقوله تفسیر را پذیرا باشد.

۸- رابطه این پیوستگی با پیوستگی‌های دیگر، طولی نیست، بلکه ممکن است کسی هم این پیوستگی‌ها را بپذیرد، و هم برخی از آن پیوستگی‌ها.

● جمع بندی

این نکته روشن است که آنچه در باره این پیوستگی‌ها نقل کردیم، همه آن چیزی نبود که در کتاب‌های علوم قرآنی بیان

واژه‌ها و اهداف پیام قرآن تغییر پیدا می‌کند و پیام‌های قرآن با ابعاد و نگرش دیگری مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. البته ایزوتسو اذعان دارد که روش دستیابی به این معنی‌شناختی آسان نیست و نیازمند بررسی جامع از واژه‌هاست، وی در این باره می‌نویسد:

«در نخستین نظر این عمل کاری بسیار سهل می‌نماید. ممکن است چنان بیندیشید که همه کاری که باید صورت بگیرد عبارت از آن است که از کل واژگان و کلمات قرآن همه کلمات مهم را که به تصورات و مفاهیم مهم همچون «الله»، اسلام، نبی، امام، و کافر و نظایر اینها ارتباط دارد جدا کنند و معنایی را که هر یک از این کلمات در متن قرآن دارد، مورد تحقیق و ملاحظه قرار دهند، ولی این کار در واقع چندان ساده نیست، چه این کلمات یا تصورات در قرآن هر یک تنها و منزول به کار نرفته، بلکه با ارتباط نزدیک با یکدیگر مورد استعمال قرار گرفته‌اند، و معنای ملموس و محسوس خود را دقیقاً از مجموع دستگاه ارتباطی که باهم دارند به دست می‌آورند.»^(۱۴)

با توجه به توضیحات یاد شده، نگاهی دوباره به این طرح از پیوستگی کلمات می‌اندازیم و ویژگی‌های این روش را در مقایسه با دیگر روش‌های کشف پیوستگی، بررسی می‌کنیم:

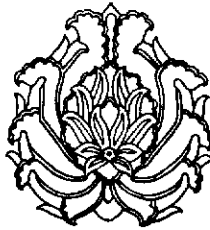
۱- علم مناسبات به جای سراغ گرفتن از آیات و سوره‌ها

به سراغ واژه‌ها و پیوستگی‌های میان آنها رفته است.

۲- گفتیم نگرش نظام‌واره به کلمات، در حقیقت نظاره‌ای به کلمات کلیدی قرآن دارد، اما نه از جهت کمی که برای شناخت بهتر پیام‌های هر سوره و کل قرآن به واژه‌های به کار رفته نظر بیفکند و حجم آنها را بررسی کند و هر واژه‌ای که در سوره یا قرآن بیشتر به کار رفته و در نسبت دیگر کلمات بیشتر استعمال شده، دلیل بر تأکید قرآن در سوره‌ای خاص بدانند، بلکه روش بررسی و نشان دادن پیوستگی، بُعد کیفی دارد، به این معنا که به کلماتی در قرآن می‌پردازد که نقشی واقعاً قطعی در ساختن جهان‌بینی تصویری قرآن دارند.^(۱۵) مثلاً کلمه قوٹاس (انعام/۹۱) در قرآن کلمه‌ای برجسته و جالب توجه از لحاظ زبان‌شناسی و هم از لحاظ تاریخ فرهنگی اعراب است،

عکس نظر منفی نسبت به این علم پیدا کرده باشد. در هر صورت فرصت برای قضاوت باقی است، زیرا در آنجا که کلمات و ادله موافقان و مخالفان نقل می‌گردد، و انگیزه هر یک از آنها ذکر می‌شود، امکان بیشتر و بهتری برای انتخاب و قضاوت فراهم شده است.

شده است. ممکن است کسان دیگری به نکات بیشتری در علم مناسبات اشاره کرده باشند و وجوه دیگری از نوع پیوند را بازگو نموده باشند، که احیاناً برخی از آنها مخالف با مناسبت‌های نقل شده باشد و امکان آوردن آنها نبوده و یا به نمونه‌هایی از مناسبات اشاره کرده‌اند که به نظر خواننده پیوستگی میان آیات و سوره‌ها و کلمات بهتر آمده باشد، یا بر



● یاد داشتها :

- ۱- عبدالعلی بازرگان، نظم قرآن، ج ۱، ص ۶
- ۲- مصطفی مسلم، مباحث فی التفسیر الموضوعی / ۸۴ سیوطی، تناسق الدرر فی تناسب السور / ۳۲.
- ۳- عبدالعلی بازرگان، نظم قرآن، ج ۳، ص ۳۸.
- ۴- همان، ج ۴، ص ۳۳۲.
- ۵- محمد تقی شریعتی، تفسیر نوین، ص ۴۲۷، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۶- عبدالعلی بازرگان، نظم قرآن، ج ۱، ص ۷. همچنین در این نظریه می‌توانید به کتاب: محمد عبدالله دراز، النبأ العظیم، ص ۱۵۴، کویت، دارالقلم، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ق، مراجعه کنید.
- ۷- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۶۰۱، دارالکتب الاسلامیه، تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری؛ سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۲۰. تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم.
- ۸- در باره معنای این حدیث به کتابهای تفسیری و حدیثی مراجعه کنید، ضمناً
- سیوطی در اتقان ج ۱، ص ۲۲۰ توضیح مفصّلی از این حدیث به دست داده است.
- ۹- حوی سمید، الاماس فی التفسیر، ج ۱، ص ۲۱. قاهره: دار السلام، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق.
- ۱۰- اعرابی هاشمی، سیستم آیات الهی، مقدمه (با توضیحاتی از نگارنده جهت فهم بیشتر مقصود نویسنده).
- ۱۱- ایزوتسو توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، ص ۳۴، تهران، شرکت انتشار، چاپ اول، ۱۳۶۱ ش.
- ۱۲- همان، ص ۴.
- ۱۳- همان، ص ۱۴.
- ۱۴- همان، ص ۵.
- ۱۵- همان / ۲۲.